

۲۴۲
۵
۷/۲۱
کتابخانه

چگونه فرزندان موفق تربیت کنیم؟

علی لشکری

لشکری، علی، ۱۳۳۴ -

چگونه فرزندان موفق تربیت کنیم؟ / علی لشکری. - مشهد: پیک
میترا، ۱۳۸۴.
۱۵۹ ص.

ISBN: 964-95515-1-4

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۱۵۸ - ۱۵۹.

۱. کودکان - روانشناسی. ۲. آموزش و پرورش کودکان. ۳.

والدین و کودک. الف. عنوان.

۱۵۵/۴

ج ۷ / ۵۵ / BF ۷۲۱

۸۴-۲۱۲۹۲ م

۱۳۸۴

کتابخانه ملی ایران

چگونه فرزندان موفق تربیت کنیم؟

تألیف: علی لشکری

ناشر: پیک میترا

طرح روی جلد: سلمان شاهید

حروفچینی و صفحه‌آرایی: شیرین درودی

چاپ و صحافی: دقت

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۸۴

بها: ۱۲۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۹۵۵۱۵-۱-۴

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است.»

تلفن مرکز پخش: ۸۶۸۹۶۱۳

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۵
مقدمه	۱۱
فصل اول: آموزش از بدو تولد	۱۷
فصل دوم: محیط	۵۱
فصل سوم: انگیزه	۵۷
فصل چهارم: پاداش	۶۵
فصل پنجم: بازی و کودک	۷۱
فصل ششم: نقاشی و کودک	۸۳
فصل هفتم: تقویت استقلال	۹۳
فصل هشتم: رشد در کودک	۱۰۳
فصل نهم: یادگیری در کودک	۱۰۷
فصل دهم: دروغ و کودک	۱۱۵
فصل یازدهم: تنبیه کودک	۱۲۱
فصل دوازدهم: ترس و کودک	۱۳۳
فصل سیزدهم: تلویزیون و کودک	۱۳۹
فصل چهاردهم: افراط و تفریط در تربیت کودک	۱۴۷
منابع	۱۵۸

خدای را سپاس می‌گویم که نعمت عقل و خرد را به آدمی ارزانی داشت تا اشرف مخلوقات گردد.

و او را حمد می‌گویم که انسان را بر ضعف و رنج‌هایش و دردهایش آگاه گرداند.
و او را شاکرم که به انسان قدرت و توان داد تا آنگونه که می‌خواهد و می‌پندارد،
خود را بسازد.

پیشگفتار

در قرن هفده عقیده بر این بود که بچه‌ها مینیاتوری از بزرگسالان هستند. یعنی با تمام تواناییها و اطلاعات زاده می‌شوند فقط لازم است بزرگ شوند تا صفات وراثتشان ظاهر شود. ولی جان لاک بر این عقیده بود. که ذهن کودکان لوحی سفید است. هرچه او تجربه کند. یعنی می‌بیند و می‌شنود و می‌چشد و می‌بوید و احساس می‌کند. بر این صفحه درج می‌شود. بنابراین تمام دانش و آگاهی ما از طریق حواسمان به ما می‌رسد. اطلاعات ما را تجارب ما فراهم می‌کند. و هیچ دانسته یا اندیشه‌ای از پیش در ذهن ما وجود ندارد.

در قرن هجدهم شخصی به نام ویته که یک روحانی اطریشی بود نظراتی درباره آموزش در سنین کودکی داشت. در زمان او دانشمندان و مربیان نظر ویته را تأیید نمی‌کردند. بلکه بر این عقیده بوده‌اند که تغییر ظرفیت یادگیری شخص غیرممکن است.

یک روز ویته در مباحث دوستانه خود با حالتی برافروخته گفت: من باید ساکت شوم. زیرا شما با عقیده من مخالف هستید.

اما امیدوارم به شما ثابت کنم که نظریات من صحیح است. اگر خداوند به من فرزندی عطا کند، او را یک انسان برتر بار خواهم آورد. ویته در سال ۱۸۰۰ میلادی صاحب پسری می شود که او را کارل می نامند، و آموزش او را از گاهواره آغاز می کند. همه حتی همسرش معتقد هستند که تلاشهای شوهرش فقط وقت تلف کردن است. زیرا فکر می کرد پسرش کودن است.

تمام جامعه مربیان از دنبال کردن این جریان لذت می بردند. اما ناگهان نیشخند زدنهای متوقف می شود. کودک چهار ساله به کودک شش ساله استثنایی و بعد به کودک نه ساله تقریباً اعجاب انگیزی تبدیل می گردد. اغلب مربیان که مخالف نظر خود مواجه شده اند. می گفتند برتری کودک از بدو تولد بوده است. کارل پسر ویته در ۹ سالگی وارد دانشگاه لایپزیک شد. و در چهارده سالگی درجه دکترای فلسفه و در شانزده سالگی دکترای حقوق را دریافت کرد. وی بلافاصله در جمع استادان بزرگ دانشگاه برلین پذیرفته می شود. و در ۲۳ سالگی استاد دانشگاه برسلو شد. و مابقی عمر خود را در آنجا ماند، و به عنوان مربی و نویسنده و دانشمند شهرت فراوانی بدست آورد. پیش از آنکه کارل به بیست سالگی برسد پدرش ویته

کتابی نوشت. در آن تمام جزئیات تعلیم و آموزش پسرش را از بدو تولد تشریح نمود. این کتاب شامل بیش از هزار صفحه بود. بعد از ویتة شخصی به نام جیمز تامسون استاد ریاضیات در آکادمی بلغاست بود، که دو پسرش را به نام جیمز و ویلیام تحت آموزش ویتة قرار داد. او هم موفق شد. زیرا هنگامی که پسرانش یکی ده سال و دیگری دوازده سال داشتند، به عنوان دانشجوی رسمی دانشگاه کلاسکو پذیرفته شدند. دو پسر تامسون به پیشرفت خود ادامه دادند و بعدها در زندگی افرادی برجسته شدند. جیمز به عنوان یک منبع موثق مهندسی شهرت به دست آورد. و برادر کوچک او ویلیام یکی از بزرگترین فیزیکدانان قرن نوزدهم معروف به لودکلوین تبدیل شد.

با ظهور نظریه تکامل چارلز داروین (۱۸۵۹) که بر شالوده زیستی رشد انسان تأکید می کرد. افراد بیشتری علاقه به تعلیم و تربیت و آموزش از بدو تولد نشان داده اند.

محقق دیگری که اعتقاد به آموزش کودک از بدو تولد داشت پاپوسک بود. او ثابت کرد که کودکان بیشتر علائمی از خود نشان می دهند که نشانه یک انگیزه نیرومند برای تسلط بر محیط است و پاداشهای مؤثر در مراحل اولیه زندگی باید

مستقیماً با نیازها و کشتشهای فیزیولوژیک از قبیل تشنگی و گرسنگی باشد. مطالعات تحقیقی پاپوسک نشان داد که کودکان شیرخوار قادر به یادگیری گردشهای متناوب سر به چپ و راست می باشند.

پاپوسک کار خود را با استفاده از شیر به شیوه طبیعی برای پاداش دادن کودکان که مورد مطالعه بودند آغاز کرد. بدین ترتیب آنها را در انجام حرکات ساده بمانند گرداندن سر به یک طرف یا طرف دیگر آموزش داد. سپس وی متوجه گردید که کودکی که به اندازه کافی شیر خورده است، از خوردن شیر بیشتر امتناع می ورزد. ولیکن در عین حال باز به ارائه پاسخ آموخته به گونه ای مسرت آمیز ادامه می دهد. بنابراین محقق نامبرده به مطالعه پاسخ کودکان در موقعیتهایی که در آنها شیر فراهم نگردید پرداخت. وی دریافت که کودکان سرشان را به راست یا چپ برمی گردانند.

هرگاه این حرکات موجب روشن شدن چراغهای یک دستگاه نمایش گردد فی الواقع آنها قادرند که توالی های پیچیده ای از گردش سر را یاد بگیرند. کودکان با یادگیری گردشهای متناوب سر به چپ و راست بودند.

زیرا هر موقعی که دستگاه نمایش روشن می‌شد لبخند زده و صدای کودکانه سر می‌دادند. نتیجه‌ای که پاپوسک گرفته بود آن بود که در اصل این رؤیت چراغها نبود که خشنودی کودکان را فراهم می‌آورد بلکه کسب موفقیتی بود که آنها در دست یافتن به راه حل و تسلط به چنین مهارتی که پیدا کرده بودند بنابراین پاپوسک با آزمایش و مطالعاتش نشان داد که کودکان از بدو تولد استعداد یادگیری و آموزش را دارند.

تمام نوابغی که ضریب هوشی در سطح بالایی داشته‌اند، در نخستین سالهای عمرشان آموزش شدید و جدی دریافت کرده‌اند. هریک از آنها در محیطی به شدت فعال قرار گرفته‌اند نه در محیطی که دستش را به سینه بزند و منتظر شود تا کودک خود همه چیز را تجربه کند بلکه در محیطی که به دنبال کودک بودند و در سنین پیش از مدرسه به او تعلیم داده‌اند.

افرادی مثل گوته شاعر بزرگ آلمانی از سه تا شش سالگی به یک مهدکودک روزانه می‌رفت که در آنجا طبق سنت خواندن را یاد گرفت و پدرش تاریخ شهر خود را در دوران کودکی به پسر کوچک خود آموخت.

بلز پاسکال ریاضیدان و نویسنده فرانسوی پدرش در سه

سالگی آموزش او را شروع کرد.

جرمی بنتام در سه سالگی پدرش کتاب دستور زبان لاتین و کتابهای دیگر خرید تا آموزش کلاسیک او را آغاز کند بعد از آن آموزش او را شروع کرد.

توماس با بینگتون ماکالی از کودکی شروع به آموزش کرد و در هفت سالگی فاصله از تاریخ جهان را نوشت که ۵۰ صفحه بود و حوادث مهم از آغاز خلقت تا عصر حاضر را یاد گرفت.

جان استوارمیل در سه سالگی زبان یونانی را آموخت و از آن سن تا ۹ سالگی به تحصیل ادبیات یونان پرداخت. مطالعات خود را روزانه یادداشت می کرد. در همان زمان تحت راهنمایی نیای پدرش آثار تاریخی متعددی را مطالعه نمود.

کاترین موریس تاکس شرح حال ضریب هوشی سیصد نفر از نوابع را نوشته که همه آنها از دوران کودکی آموزش را شروع کردند که مهمترین آنها کپرینک ستاره شناس لهستانی، مایکل فاراده شیمیدان و فیزیکدان انگلیسی، ژان ژاک روسو نویسنده بزرگ فرانسوی، کپلر ستاره شناس آلمانی، دیوید هیوم فیلسوف و مورخ اسکاتلندی می باشد.

مقدمه

در جامعه صنعتی امروز والدین به خاطر مشکلات مالی و مشغله‌های زیاد زندگی مجبور هستند وقت کمتری را با فرزندان خود سپری کنند. این خود تأثیر ویرانگر و مخربی بر روان و ذهن کودکان می‌گذارد. زیرا همانگونه که کودک رشد می‌کند، مسئولیت‌های هماهنگ کردن نیازهای او روز بروز سنگین‌تر و دشوارتر می‌گردد. چون والدین نمی‌توانند به نیازهایش جواب مثبت دهند کودک در انزوا قرار می‌گیرد. و در سنین بلوغ دچار مشکلات روحی و روانی شده و زندگی او به مخاطره می‌افتد. زیرا از مواهب آموزش و تعلیم و تربیت صحیح بی‌بهره مانده است. والدین بیشتر اوقات خود را صرف رفاه حال فرزندان خود می‌کنند و هزینه‌های هنگفت از قبیل تهیه مسکن و ماشین و لباس و خوراک را متحمل می‌شوند. ولی کمتر کسی هزینه جهت آموزش و تعلیم و تربیت فرزند جگرگوشه خود می‌کند. در نتیجه در تعلیم تربیت کودک خود ناموفق بوده و دچار افسوس و ندامت خواهند شد. و بر زمان از دست رفته دریغ خواهند خورد اغلب والدین دوست دارند.

فرزندانی باهوش و زرنگ و موفق داشته باشند. ولی متأسفانه اطلاعات کمی در مورد چگونگی و نحوه آموزش تعلیم و تربیت دارند. باید سعی کنند با خواندن کتاب‌های روانشناسی کودکان با عملکرد رفتار کودک خود آشنا شوند.

در سال ۱۳۵۷ به عقاید و افکار شخصیت‌های بزرگ روانشناسی جهان همچون فروید، پیاژه، یونگ، مزلو، ماکارنکو، ویته و تامسون آشنا شدم. چنان شیفته و مجذوب تجارب خارق‌العاده و روش‌های ویته و تامسون در زمینه تعلیم و تربیت و رشد ذهنی کودکان شدم که با خود عهد کردم چنانچه خداوند به من فرزندی اعطاء نماید، او را از بدو تولد تحت تعلیم و آموزش قرار دهم.

در سال ۱۳۶۲ پسر اولم بدنیا آمد. با وجود اینکه هنوز تجربه و مایه فکری زیادی نداشتم، از چهار ماهگی آموزش و تعلیم او را شروع کردم. دوستان و نزدیکان مرا از این کار منع می‌کردند. ولی من با پشتکار و علاقه و عشق به کار خود ادامه دادم. در یک سالگی فرزندم با کودکان همسن خود فرق زیادی داشت. او کاملاً راه می‌رفت، صحبت می‌کرد و بسیار کنجکاو بود. هرگاه او را به خیابان می‌بردیم راجع به زندگی حیوانات و انواع درختان و

ماشین‌ها و آنچه که نظر او را بیشتر جلب می‌کرد. صحبت می‌کردم. هدفم تحریک حس کنجکاوی و بالا بردن معلومات عمومی و فعال کردن سلولهای مغز او بود. در سه سالگی خواندن و نوشتن را به صورت قصّه و داستان و جمع و تفریق و ضرب و تقسیم را به وسیله لگوهای کوچک به او آموزش دادم. در چهار سالگی او خواندن و نوشتن را کاملاً می‌دانست و در شش سالگی معلومات عمومی او در حدّ دانش آموز سال سوم ابتدایی بود زیرا سلول‌های مغز او خوب رشد کرده بود. کلاس اوّل ابتدایی را به طور جهشی گذرانده و در طی دوره ابتدایی دانش آموز ممتازی بود و دوره راهنمایی و دبیرستان را در استعدادهای درخشان مشهد (تیزهوشان) با موفقیت سپری کرد. در سال سوم دبیرستان با یکی از دوستانش دستگاهی الکترونیکی به نام پلاتر ساخت که در جشنواره خوارزمی مقام کشوری را کسب کرد و کنکور سراسری با موفقیت گذراند و در دانشگاه تهران در رشته مهندسی برق شروع به تحصیل نمود. در دوره دانشگاه دانشجوی ممتاز بود. فوق لیسانس را در همان دانشگاه طی کرد و به خاطر موفقیت در کنکور از خدمت سربازی معاف گردید.

در همان سال از یکی از دانشگاه معتبر آمریکا به نام MIT پذیرش گرفت و هم‌اکنون در آنجا مشغول تحصیل می‌باشد.

پسر دوم در سال ۱۳۶۴ به دنیا آمد. او در موقع تولد به خاطر مشکلات زایمان همسرم و ضربه‌ای که به سرش خورده بود مجبور شد دو سال اول زندگیش را قرص فنوباربیتال مصرف کند. از دو سالگی آموزش او را شروع کردم او هم مانند برادرش دوره ابتدایی را با موفقیت طی کرد و دوره راهنمایی و دبیرستان را در استعدادهای درخشان دانش آموز ممتاز بود. در دوره دبیرستان دستگاهی الکترونیکی به نام موش ردیاب ساخت. که در جشنواره خوارزمی مقام دوم کشور را کسب کرد. در همان زمان مقاله‌ای علمی به کنفرانس گامی به سوی نوبل به لهستان فرستاد و دیپلم افتخار را کسب نمود. بدون کنکور وارد دانشگاه فردوسی مشهد شد و در رشته فیزیک مشغول تحصیل گردید. ترم اول دانشجوی ممتاز دانشگاه فردوسی شناخته شد و به دانشگاه صنعتی شریف در تهران انتقال یافت. در همان سال مقاله‌ای دیگر به جامعه فیزیکدانان آمریکا به منترال کانادا فرستاد که از طرف آن جامعه به مدت یک هفته به تورنتو کانادا دعوت گردید که متأسفانه نتوانست

برود. هم‌اکنون در دانشگاه صنعتی شریف مشغول تحصیل می‌باشد.

جای دارد از زحمات همسر که در طی این مسیر با من همراه و موافق بود و به فرزندان خود نهایت عشق و محبت و مهر می‌ورزید قدردانی کنم.

هدف اصلی این کتاب عبارت از وظیفه و مسئولیت والدین در آماده‌سازی رشد فکری فرزندان خود از تمامی ابعاد فیزیکی، عاطفی و اخلاقی، مهارت‌های دستی و توانایی‌های او در سال‌های اول زندگی می‌باشد که بسیار ساده قابل فهم و درک برای عموم افراد جامعه نوشته شده است.

والدین باید باور داشته باشند که می‌توانند پایه‌گذار تعلیم و تربیت صحیح کودک خود باشند و به شخصیت آنها شکل مطلوب و مناسب بخشند و می‌توانند با اراده قوی و عزمی راسخ توأم با قلبی پر از عشق و محبت به این هدف برسند.

آموزش و تعلیم و تربیت از بدو تولد کودک کاری است بلندمدت و مشکل زیرا هر روز کودک با نیاز جدیدی روبرو می‌شود. ولی با گذشت زمان و کسب تجربه و اعتماد به نفس و کسب اطلاعات جدید می‌توانید به راحتی بر آن غلبه کنید و

کودکی تیزهوش و موفق تربیت کنید که برای خود و جامعه مفید باشد.

من امیدوارم این مجموعه کوچک برای والدین و مربیان عزیز مفید و سودمند باشد و انگیزه و در جهت سیراب کردن عطش آگاهی آنها در جهت آموزش کودکان از بدو تولد واقع شود. امروز علم روانشناسی پاسخگوی کلیه مسائل و مشکلات در زمینه تعلیم و تربیت افراد جامعه می باشد.

در دهه اخیر اثرات کاربردی علم روانشناسی در تعلیم و تربیت و رشد ذهنی کودک به گونه ای فراگیر مورد قبول همه واقع شده است. اکنون آنچه در حال پیشرفت است برای به حداقل رساندن نکات منفی و بالا بردن سرعت و کیفیت یادگیری در جهات مختلف تربیتی می باشد. بدون تردید بهره مندی از منابع علمی روانشناسی و برنامه های جامع آموزشی و مباحث ساده در زمینه آموزش و تعلیم و تربیت برای والدین نقش تعیین کننده دارد و آنان را یاری می کند تا بتوانند در مسیر دشوار پرفراز و نشیب تربیت کودکان خود استوار حرکت کرده و در آینده با خاطری آسوده فرزندانی برومند و توانا و موفق به جامعه ایران بسپارند.

علی لشکری

مشهد - ۸۴/۳/۵